هو الواقف

بنابر ارادت و علاقه خاصی که والد مرحوم مغفور یارمحمد خان افشار سردار کل فرزند مرحوم مغفور حسن خان افشار وزیر نظام سردار کل به آستانه قدس رضوی داشتند وصیت کردند که کتب خطی ایشان تقدیم کتابخانه آستانه مبارکه شود علیهذا این یك جلد کتاب جنگ الشعراء آتشکده بانضمام شصت و هشت جلد دیگر در خرداد ماه ۱۳۲۷ تقدیم کتابخانه آستان ملك پاسبان گردید.

سرهنگ عبدالحسین افشار

آتشکده آذر

خ

باز بین شد
۱۳۵۳ خ

جنگ و فیلم تهیه شد

فیروزان ره

۸۴۶۲۳

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب آتشکده

فارسی

مصنف حاج لطفعلی آذر بیگدلی

مؤلف

خطی نستعلیق ۲۲

چاپی

سال چاپ یا تحریر جمادی الاول ۱۲۱۹ عدد اوراق ۲۸۳

جزء کتب تاریخ شماره ۹۶

شماره عمومی ۸۳۳۹ شماره قبض

واقف سردار کل یار محمد خان افشار تاریخ وقف ۲۰ خرداد ۱۳۳۲

طول ۲۹ عرض ۲۰ ورق گنجه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

این خانه بیخ بی آتشکده با سنگ منغچهٔ دی در طوف حرم دیدم دی

فروغ آتشکدهٔ دل و زبانهٔ اخگر زبان سپاس بیقیاس قدیمی است جل برهانه که گرمی هنگامهٔ عوالم مختلفه از پرتو

آفتاب ذات اوست و ضیای مجمرهٔ تن و شعاع شعلهٔ جان ثنای بی منتهای کریمی است جل شانه که رونق بازار شئون متنوعه

از تجلی صفات اوست صانعی که گوهر نورانی آدم را بقابلیت فجعلنا الانسان خلیفة منظور نظر قبول و در بزمگاه

نعیم بر بساط خلافتش نشانده مسجود ملکش ساخت بلی مصرع چون از او گشتی همه چیز از تو گشت جباری که پیکر ظلمانی ابلیس را

بجرم سرکشی خلقتنی من نار و خلقته من طین بطناب خطاب فاخرج منها فانک رجیم مغلول و در زندان

جحیم بزنجیر خلافش کشانده از صعود فلکش انداخت آری مصرع چون از او گشتی همه چیز از تو گشت خواجه جلوه کرد رخش دید ملک عشق نداشت

عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد مدعی خواست که آید بتماشاگه راز دست غیب آمد و بر سینهٔ نامحرم زد هم ها پل در جلوه گاه قرب

فرامش را آتش بی دود رحمت پرتو قبول بلطف او یافته و هم فاسیل لعلت نافرمانیش بدوزخ فنکون من اصحاب النار

از قهر او شتافته دانائی که اهتزاز نسیم مرحمتش خلیل نبیل را از پرتو کوکب هدایت رحمانی عازم سیر ملکوت کرده رایت

لطف آیت یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم از ساحت خاک بفضای افلاک برافراخته توانائی که اشتعال

نایرهٔ سخطش نمرود مردود را از دود نار نخوت شیطانی سرگرم دیار سقر نموده بمنطوقهٔ وارادوا به کیدا فجعلناهم الا

کتابخانه آستان قدس رضوی

۲۸۳

پس از تو ماندم و این گرچه شرط یاری نیست
ولی خدا گواه است که اختیاری نیست

رسد جدا ز تو هر دم هزار دست سپهر
کنون که از روی غیر جانب یاری نیست

سرور سوز ترا باد در جهان که چه
شکفتنش بدم باد نوبهاری نیست

تو رستی از غم این دامگاه و ما در دام
بجز خروج تحمّل ز بردباری نیست

تن ضعیف مرا نیست تاب اینهمه جور
وگرنه کار فلک جز ستیزه کاری نیست

ایضا

هزار زخم درینها یکیش کاری نیست
ز عمر حاصل من غیر سوگواری نیست
مرا ز دام غم و درد رستگاری نیست

هزار حسرتم از رفتن تو در دل ماند
چه حظ ز فیض بهاران مرا که گلشن تو
ز عاجزیست اگر بسته‌ام زبان از شکوه

ایضا کلام صبّاحی در فوت مؤلف

کجاست مثل تو ای سلک زمانه علیم
چو از جهان تو شدی از اجل چه خوف و چه بیم
بکام دل متنعّم تو در ریاض نعیم
گل تو بخت ز بار و در اهتزاز نسیم

چو عهد دوستی از دوستان نکوکری
رسم بوصل تو امروز مانده یا فردا
تن تو در کفن و چرخ را قبا ز اطلس
نهفته روی تو خورشید را ضیا از چیست

تو رفتی و نشنیده تو زال دهر عقیم
ترا مباد فراموش دوستان قدیم

چه ماندم از تو جدا از حیات چه نفع و چه سود
ز عمر بیش نمانده است یکنفس باقیم

جدا ز نعمت وصل تو مانده‌ام ناکام
سر تو بکلّه و صبح از خورشید هیم

قبا و حُلّه تو از پا و در ترشّح آبر
تهی ز شخص تو این نه فلک دو تا از چیست

باستعانت و توفیق حضرت ربّ العزّت کتاب تذکرة الشعرا مسمّی بآتشکده من تالیفات
فصیح المتکلّمین عالیجناب مرحمت مآب حاجی لطفعلی بیک بیکدلی المتخلّص بآذر رحمة الله علیه
و علی آبائهم اجمعین حسب الفرموده بندگان ذی شان نواب کامیاب خانی
عظیم المرتبه والشان حسینقلی خان افشار بیگلربیگی ارومیه ضوعف عمره و دولته
و اقباله الی یوم القیام برقیم و ترسیم اقل العباد کلب حسین وزیر
ابن مرحمت مآب میرزا عبد الجواد اللهم اغفر ذنوبهما و ستر
عیوبهما بحق محمّد و آله الطاهرین و سلّم تسلیما
گیشرا سمت اتمام و اختتام یافت
بتاریخ ۲۴ شهر جمادی الاول
۱۲۱۹

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد
کتابخانه آستان قدس رضوی
بازبینی شد
۱۳۷۱ش
بازبینی شد
۱۳۵۲خ